

بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن

محسن اسلامی^۱ - بهروز ایاز^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳)

چکیده

با گذشت دو سال از ظهور گروه موسوم به داعش، این گروه به سمت آسیای مرکزی روی آورده است. با هدف قراردادن آسیای مرکزی توسط این گروه، سوالاتی در نزد تحلیل‌گران به وجود آمده است. این نوشتار نیز در پی پاسخ به این سوال است که چه عواملی موجب ظهور و نفوذ داعش در آسیای مرکزی و جذب عده‌ای از این منطقه به این گروه شده است؟ به عبارت دیگر بسترها، زمینه‌ها و علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه این نوشتار بر آن است که وجود عوامل و بسترهایی در آسیای مرکزی نظیر فقر، عدم توسعه یافتگی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، وجود افراط‌گرایی اسلامی در میان برخی از مسلمانان این منطقه از یک سو و وجود منابع معدنی غنی در این منطقه، وجود دو کشور مسلمان بنیادگرا (پاکستان و افغانستان) در همسایگی کشورهای این منطقه، نزدیکی کشور روسیه به این منطقه، حضور مسلمانان غرب چین (در استان سین کیانگ) در نزدیکی و همسایگی کشورهای منطقه آسیای مرکزی و از همه مهمتر استراتژی داعش در بین‌المللی کردن خود موجب شده است تا این منطقه مورد توجه این گروه تروریستی-تکفیری قرار گیرد و بتواند در آنجا نفوذ و یارگیری کند.

واژگان کلیدی: داعش، آسیای مرکزی، افراط‌گرایی، بنیادگرایی اسلامی

مقدمه

داعش تفکری جدید از پی تحولاتی جدید است. تحولاتی چون حضور مستقیم ایالات متحده آمریکا در افغانستان و عراق و ساقط کردن دو رژیم اسلامی عربی، که در نهایت منجر به افزایش تنفر از آمریکا در بین ملت‌های جهان اسلام شد. بی‌ثباتی سیاسی که حاصل حضور امریکائیان به همراه افول قدرت این کشور در پایان دوره بوش و استراتژی جدید دولت اوباما در عقب‌نشینی سربازان امریکایی از عراق و افغانستان بود، زمینه بروز اعتراضات ملت‌های منطقه شد. آنچه که ما در سال ۲۰۱۱ به بعد در منطقه غرب آسیا مشاهده کردیم، به نوعی آزادشدن انرژی‌های نهفته ملت‌های مسلمان علیه اختناق و استبداد حکومت‌های دست‌نشانده بوده است. در همین راستا انقلاب‌های عربی به عنوان محصول این فضای جدید و در نهایت مدیریت و مهندسی این انقلاب‌ها توسط غرب، منجر به سرخوردگی مضاعف ملت‌های مسلمان شد و این عقده و حقارت‌ها توسط داعش به خوبی مشاهده می‌شود که با آغاز حرکتی رادیکال و به دور از عقل و منطق به جذب گسترده جوانان مسلمان در اقصی نقاط جهان منجر شد.

زمانی که این گروه تروریستی - تکفیری به رهبری ابوبکر بغدادی در سال ۲۰۱۳ با حملات گسترده در عراق و سوریه اعلام موجودیت و هدف خود را تشکیل دولتی اسلامی اعلام کرد، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که این گروه بتواند در دیگر مناطق جهان به ویژه آسیای مرکزی نفوذ کند. این گروه که متشکل از القاعده عراق و برخی از افسران رژیم بعثی عراق و دارای ایدئولوژی سلفی - وهابی و افراط‌گرایانه از اسلام است تاکنون خشن‌ترین چهره را از اسلام به نمایش گذاشته است. اقدامات داعش نماد گسترده‌ای از افراط‌گرایی و بنیادگرایی است که با استفاده از دین صورت می‌گیرد و با این اقدامات می‌توان گفت خاورمیانه به سمت یک جنگ فرقه‌ای پیش می‌رود.

داعش به عنوان یک گروه تروریستی و افراط‌گرا از سراسر دنیا یارگیری می‌کند و در اکثر مناطقی که افراط‌گرایی وجود داشته باشد نه تنها افراد آن را جذب بلکه در آن جا نیز نفوذ کرده و سعی در ایجاد پایگاه دارد. یکی از مناطقی که داعش اخیراً در آن جا یارگیری و نفوذ کرده، منطقه آسیای مرکزی است. سابقه افراط‌گرایی در این منطقه به طور مشخص از دهه ۱۹۹۰ به بعد است، اما با ظهور گروه تروریستی و تکفیری داعش، افراط‌گرایی بیش از هر زمان دیگری این منطقه را تهدید می‌کند. از آن جایی که تعداد زیادی از افراط‌گرایان آسیای مرکزی به داعش پیوسته‌اند (Cilluffo, 2015: 6) و این منطقه نیز دارای سابقه‌ای از افراط‌گرایی و بنیادگرایی اسلامی به ویژه بعد از فروپاشی شوروی بوده است، می‌توان گفت افراط‌گرایی بیش از هر چیزی می‌تواند

معادلات منطقه مذکور را وارد عرصه دیگری کند. به عبارت دیگر با توجه به شرایط بغرنج افراط گرایی در افغانستان و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه و نزدیک به آسیای مرکزی و وجود افراط گرایی و بسترهای آن در این منطقه این گونه پیش بینی می شود که حضور داعش در این منطقه موجب قوی تر شدن ریشه های افراط گرایی در این منطقه شده و می تواند خاورمیانه ای دیگر را به وجود آورد.

با حضور و نفوذ این گروه در آسیای مرکزی و یارگیری از این منطقه سوالاتی پیش می آید؛ از جمله اینکه چه عواملی موجب ظهور و نفوذ داعش در آسیای مرکزی و جذب عده ای از این منطقه به این گروه شده است؟ به عبارت دیگر بسترها و زمینه های نفوذ داعش در آسیای مرکزی چیست؟ هدف داعش از نفوذ در آسیای مرکزی و علت علاقمندی این گروه برای نفوذ در این منطقه چیست؟ آیا آسیای مرکزی به عنوان پلان بعدی (Plan B) داعش طراحی و تعریف شده است؟ بسیاری از تحلیل گران بر این باورند که با شکست داعش در عراق و سوریه این احتمال وجود دارد که به دلایلی داعش آسیای مرکزی را محور فعالیت های خود قرار دهد که از جمله دلایل آن که فرضیه این نوشتار است، عبارتند از: وجود عوامل و بسترهایی در آسیای مرکزی نظیر فقر، عدم توسعه یافتگی، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، وجود افراط گرایی اسلامی در میان برخی از مسلمانان این منطقه از یک سو و وجود منابع معدنی غنی در این منطقه، وجود دو کشور مسلمان بنیادگرا در همسایگی کشورهای این منطقه (افغانستان و پاکستان)، نزدیکی به کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران، همسایگی مسلمانان غرب چین در استان سین کیانگ به کشورهای آسیای مرکزی و همچنین بین المللی کردن خود موجب شده است تا این منطقه مورد توجه این گروه تروریستی-تکفیری قرار گیرد.

پرداختن به موضوع داعش به عنوان پدیده ای نو در روابط بین الملل و ابعاد و چگونگی ظهور و رشد این حرکت تروریستی عقیدتی بسیار ضرورت دارد. چرا که این پدیده اجتماعی نه تنها در شرایط افول قرار نگرفته بلکه در جای جای جهان رشد و گسترش یافته است. بین المللی شدن و بین المللی کردن از ویژگی های اصلی این گروه تروریستی است و در همین راستا نگاه به داعش می بایست اهمیت یابد و تبیین برنامه ای آن مورد توجه قرار گیرد.

استراتژی داعش در بین المللی کردن خود

داعش یک گروه تروریستی عقیدتی-سیاسی است که به دنبال استقرار یک نظم مطلوب خودساخته است. بر اساس این نظم، گزاره های دینی منبعث از تفکر سلفی-تکفیری دارای

اولویت بوده و نظام حکومتی پیچیده‌ای از قواعد حقوقی مضیق، محدود و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم متصور می‌باشد. از سوی دیگر داعش با بهره‌گیری از تفکر سلفی به دنبال جذب فعالان سلفی در دنیا برای استقرار یک کشور با رویکردی سلفی-تکفیری است. در این راستا آنچه بیش از همه مورد توجه رهبران داعش است، بین‌المللی کردن خود، آن هم بواسطه جذب فعالان سیاسی و تروریستی مسلمان از اقصی نقاط جهان است. به عبارت دیگر بین‌المللی کردن و بین‌المللی شدن از ویژگی‌های اولیه حرکت تروریستی داعش بوده و طبعاً این رویکرد دارای فازهای زمانی متعددی می‌باشد. در ابتدا ما شاهد گسترش نفوذ داعش در بین مردم شام و عراق بوده و سپس این حرکت در مناطق دیگر جهان همچون افریقا، آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب شرقی آسیا ادامه می‌یابد. حال با توجه به رویکرد بین‌المللی داعش، باید ابعاد بین‌المللی این رویکرد نیز مورد توجه قرار گیرد.

حضور این گروه در مناطقی همچون کشورهای آفریقایی مثل مصر، لیبی، الجزایر، نیجریه، مغرب، جنوب و جنوب شرقی آسیا، قفقاز، عربستان، پاکستان، افغانستان و همچنین آسیای مرکزی (Gambhir, 2015: 2-3) نشان از بین‌المللی شدن داعش دارد که خود در تلاش برای رسیدن آن است. همچنین این گروه در مجله خود "دابق" ۷۰ کشور جهان را به جرم صلیبی و مرتد بودن به شدت تهدید کرده است. این گروه همچنین شهرهایی از ایالات متحده (میشیگان، لس آنجلس و نیویورک) و هیئت دیپلماتیک پاناما در جاکارتا و دبی، هیئت دیپلماتیک ژاپن در بوسنی، مالزی و اندونزی و نیز هیئت دیپلماتیک عربستان در آلبنی، بوسنی هرزگوین را مورد هدف خود قرار داده است (شیعه نیوز: ۱۳۹۴). برخی نیز معتقدند که داعش با این اقدامات درصدد بسیج شبکه‌های خارجی‌اش برای انجام حملات تروریستی است (Salama, 2016: 55) که خود در راستای بین‌المللی کردن آن انجام می‌شود.

این گروه در شماری دیگر از کشورهای جهان نیز نفوذ کرده و با حملات خود و انجام عملیات انتحاری، کشورهای مورد نظر را تهدید و حتی بخشی از خاک این کشورها را نیز تصرف کرده است. برای نمونه این گروه با نفوذ و حضور فیزیکی و رسانه‌ای خود در چند شهر از لیبی به ویژه برقه، درنه، فزان و بخش‌هایی از بنغازی و طرابلس، موجودیت خود را اعلام کرده است. در همین زمان رهبر این گروه /بویکر البغدادی این شهرها و استان‌ها را متعلق به خلیفه و دولت اسلامی دانست (Engel, 2015: 1). داعش با انتشار هشتمین موضوع خود در نشریه *دابق* با عنوان «تنها شرع در آفریقا حکومت خواهد کرد» لیبی و برخی دیگر از کشورهای آفریقایی را هدف حمله و نفوذ خود قرار داده است. داعش حتی در مقاله‌ای به عنوان «صحنه

لیبی» از دولتمردان لیبی انتقاد کرد و این کشور را سرزمینی مطلوب برای هجرت به ویژه برای کسانی که نمی‌توانند به سوریه بروند، دانست (Schnitt, 2015: 9-10). به‌طور کلی از آن جایی که هزاران آفریقایی در گروه داعش وجود دارند (Allison, 2014: 3-4) و با توجه به آسیب‌پذیری‌هایی که در کشورهای آفریقایی وجود دارد این گروه می‌تواند رشد چشمگیری در این قاره داشته باشد. از دیگر کشورهای آفریقایی که داعش در آنها نفوذ کرده است عبارتند از: مصر، الجزایر، مغرب، نیجریه.

این گروه برای رسیدن به هدف خود (بین‌المللی کردن خود) از ابزارهای رسانه‌ای نیز برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود (بر خلاف سایر گروه‌های تروریستی) استفاده می‌کند. از سوی دیگر از نیروهای افراط‌گرا و افراد سراسر مناطق جهان یارگیری کرده است، به طوری که برخی گزارش‌ها از حضور ۲۰ هزار نیروهای خارجی از ۹۰ ملیت، حتی کشورهای غربی (حداقل ۴ هزار نفر از آنها از کشورهای غربی می‌باشند) در بین نیروهای داعش خبر داده‌اند. داعش برای این کار از فرصت‌های اقتصادی به‌ویژه حقوق ماهیانه ۵ هزار دلار در هر ماه برای اعضای خود استفاده کرده است. همچنین این گروه در تلاش برای ایجاد حکومت در کشورها و مناطق مختلف جهان از جمله عراق، سوریه و لیبی می‌باشد (Cilluffo, 2015: 5-6).

داعش و چگونگی شکل‌گیری آن

پیشینه تشکیلاتی گروه موسوم به داعش، به فعالیت‌های *ابومصعب الزرقاوی* در عراق بر می‌گردد. زرقاوی که با گروه القاعده و طالبان در ارتباط بود، در افغانستان نیز حضور داشت. بعد از حمله آمریکا به افغانستان به عراق بازگشت و شعبه‌ای دیگر از القاعده را در درون عراق ایجاد کرد (kirdar, 2011: 1). وی که همراه با بن‌لادن در افغانستان حضور داشت و در جبهه‌های جنگ همراه با مجاهدین علیه شوروی می‌جنگید، در سال ۱۹۹۹ گروه *جماعت التوحید و الجهاد* را تاسیس کرد. زرقاوی در سال ۲۰۰۳ وارد عراق شد و با طراحی عملیات انتحاری و بمب‌گذاری در مکان‌های عمومی به جذب و سازماندهی افراط‌گرایان اقدام کرد (Zelin, 2014: 1-2). به گفته برخی، او با صدام حسین رئیس‌جمهور سابق عراق نیز در ارتباط بود. به طوری که *کالین پاول* وزیر خارجه آمریکا در طی یک سخنرانی ادعا کرد که صدام حسین به دعوت از زرقاوی به عراق، در صدد حفظ القاعده و گسترش عملیات و فعالیت‌های آنان در منطقه است. حتی بعد از حمله آمریکا به عراق اظهارات متفاوتی درباره هماهنگی نیروهای بعثی با گروه‌های افراطی به ویژه ملاقات *صدام حسین* با زرقاوی، *ابوعمر البغدادی* و *ابوبکر البغدادی* صورت گرفت. به گفته

برخی، صدام حسین از آنان خواست تا استراتژی مقاومت در برابر امریکا به منظور عقب‌راندن آنها از عراق را در پیش گیرند (مصطفی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۱).

بدین ترتیب، بسیاری از گروه‌های جهادی سنی مذهب در حمله ایالات متحده به عراق، به این کشور رفته و اعلام موجودیت کردند که شمار زیادی از آنها از اعضای القاعده بودند. در این زمان زرقاوی فرصت مناسبی یافت تا در هرج و مرج به وجود آمده به سازماندهی نیروهای خود بپردازد. زمانی که دولت موقت در عراق شکل گرفت این گروه‌ها به فعالیت پرداختند و علیه منافع امریکا حملات تروریستی و عملیات انتحاری انجام داده و به مراکز عمومی و اماکن مقدس شیعیان حمله می‌کردند. حاصل این گروه‌ها، شکل‌گیری شعبه دیگری از القاعده به نام القاعده عراق به رهبری ابومصعب زرقاوی در سال ۲۰۰۴ بود (Abu hanieh & Abu rumman, 2015:35-40).

در واقع این گروه‌ها متشکل از نیروهای جهادی سنی آموزش دیده در افغانستان (از جمله القاعده) و نیروهای ارتش بعثی هستند که پس از حمله امریکا، در عراق پراکنده شده و در فرآیند آموزش اعضای گروه‌های افراطی شرکت کرده و هدایت عملیات‌های تروریستی را در دست گرفتند (Tonnessen, 2015: 48-49). حاجی بکر، سرهنگ سرویس اطلاعاتی صدام که یکی از این افراد می‌باشد، بعد از آشنایی با شخص زرقاوی و گروه‌های افراطی به ایجاد حملات انتحاری علیه امریکا پرداخت. به طوری که این فرد را به عنوان مغز متفکر داعش در تصرف مناطق شمال سوریه می‌دانند. این شخص توسط نیروهای امریکایی در سال ۲۰۰۶ دستگیر و به مدت ۲ سال در کمپ بوکا زندانی شد (Eleftheriou-Smith:2015).

در سال ۲۰۰۶ و تنها چهار ماه پس از مرگ ابومصعب زرقاوی، شورای مجاهدین، دولت اسلامی عراق (داعش) به رهبری ابو عمر البغدادی (اولین رهبر دولت اسلامی عراق) را تشکیل داد (Freedman, 2016: 13). مرگ زرقاوی از این نظر مهم بود که گروه القاعده عراق از وجود رهبری کاریزماتیک و قدرتمند محروم و دچار ضعف شده و گروه اسلامی دولت عراق قدرت بیشتری می‌یافت.^۱ در نهایت در نوامبر ۲۰۰۶ ابویوب مصری به رهبری ابو عمر البغدادی در دولت اسلامی عراق اظهار وفاداری کرد و اعلام کرد که گروه القاعده عراق و تمام گروه‌های دیگر به دولت اسلامی عراق پیوندند. این شخص خود نیز از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به عنوان وزیر جنگ دولت اسلامی عراق (داعش) منصوب شد. در واقع می‌توان گفت یکی از بدنه‌های اصلی

۱. بعد از مرگ زرقاوی، ابو ایوب مصری، جانشین او به رهبری گروه القاعده عراق منصوب شد. با تشکیل دولت اسلامی عراق، کاریزما تیک نبودن شخصیت رهبر جدید القاعده عراق و نارضایتی اعضای آن دچار سستی و درگیری و در نهایت زوال شد. برخی از افراد مهم از این گروه جدا شده و به گروه‌های دیگر پیوستند. از جمله این افراد ابو محمد الجولانی بود که به جبهه النصره پیوست.

دولت اسلامی عراق، گروه القاعده عراق بود به طوری که به عقیده بسیاری ابوعمر البغدادی نیز عضوی از القاعده عراق بوده است (Tonnessen, 2015: 49-50).

بعد از آزادی حاجی بکر از زندان و جان سالم به‌در بردن از حملات شدید هوایی که منجر به مرگ دو تن از فرماندهان اصلی دولت اسلامی (ابویوب مصری و ابوعمر البغدادی) شد، او با گروهی کوچک از افسران عراقی به رهبری ابوبکر البغدادی به همکاری پرداخت؛ همچنین در توسعه فعالیت‌های دولت اسلامی عراق و انتخاب ابوبکر البغدادی به رهبری این گروه نقش مهمی ایفا کرد^۱ و سپس خود در مقام مشاور ارشد فرمانده، امور نظامی را به عهده گرفت. دو سال بعد، او طرح حمله و لشکرکشی به سوریه را به منظور اجرای نقشه تاسیس دولت اسلامی عراق و شام (داعش) عملی ساخت که در این حمله از سایر نیروهای افراط‌گرای تکفیری و سلفی از مناطقی در اروپا، چین و کشورهای هم‌چون عربستان، ازبکستان، تونس و ... استفاده کرد و به تسخیر شهرهای شرقی سوریه پرداخت (مصطفی، ۱۳۹۴: ۵۷). اما ائتلاف القاعده بعد از مدتی به اختلاف داخلی میان گروه‌های مختلف آن منجر شد که در این حال، القاعده عراق به رهبری ابوبکر البغدادی با جبهه النصره درگیر شد که این درگیری، کشته‌شدن بسیاری از افراد هر دو گروه را به همراه داشت. با این درگیری، ایمن الظواهری مجبور به حکمیت شد و با جانبداری از القاعده سوریه (جبهه النصره)، البغدادی پیمان خود را با ایمن الظواهری نقض کرد و از گروه القاعده جهانی خارج شد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲). سرانجام در سال ۲۰۱۳ ابوبکر البغدادی، با کشاندن شمار زیادی از نیروهای خود به سوریه، طی بیانیه‌ای در ۸ آوریل همان سال انحلال جبهه النصره و تاسیس دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را اعلام کرد (مصطفی، ۱۳۹۴: ۷۲).

برخی از تحلیل‌گران یکی از علل مهم پیدایش و رشد داعش در عراق را حمله آمریکا به این کشور می‌دانند^۲ (Afrasiabi, 2014: 3). آنها معتقدند که حمله آمریکا باعث از هم گسیختگی و تضعیف جامعه عراق شد که سال‌ها قبل نیز بر اثر جنگ و تحریم آسیب دیده بود. در این حمله که ارتش بعث عراق نیز منحل شد، یک خلا قدرتی شکل گرفت و مبارزه شدید قدرت را در بین گروه‌های جهادی و بازیگران غیردولتی از جمله القاعده به وجود آورد. در نتیجه بسیاری از افسران بعثی عراقی به این گروه‌ها از جمله القاعده عراق پیوستند. از سویی دیگر علاوه بر آن که برخی داعش را حاصل جمع و نتیجه ادغام ارتش رژیم بعثی و القاعده عراق می‌دانند، عده‌ای نیز معتقدند داعش جلوه‌ای از شکست نهادهای دولتی است. به عنوان مثال فواز جرجیس تحلیلگر

^۱. لازم به ذکر است که یکی از شرایط رهبری دولت اسلامی این است که شخص مورد نظر باید از بغداد باشد.

^۲. باراک اوباما خود نیز در طی یک سخنرانی در مارس ۲۰۱۵، ظهور و پیدایش داعش را یکی از نتایج ناخواسته حمله آمریکا به عراق دانست (Ali, 2015: 6).

مسائل خاورمیانه؛ القاعده، اسلام و جهان غرب در مقاله خود «داعش و موج سوم جهادگرایی» داعش را جلوه‌ای از شکست نهادهای دولت و گسترش آتش فرقه‌گرایی در خاورمیانه می‌داند که هیچ راه حل ساده و سریعی برای خلاص شدن از آن وجود ندارد (Gerges, 2014: 339).

عده‌ای نیز بر این نظرند وجود داعش معلول به وجود آمدن شکاف‌های عمیق قومی- مذهبی در خاورمیانه و جنگ قدرت کشورهای منطقه به همراه خلا امنیتی می‌باشد. آنها معتقدند که عوامل مذکور موجب عمیق‌تر شدن این شکاف‌ها شده است و علاوه بر آن درگیری‌های داخلی، فرقه‌گرایی و تنش‌های قومی و مذهبی (به‌ویژه در دو کشور عراق و سوریه) منطقه را به بهترین مکان برای رشد و پرورش افراط‌گرایی و گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا به‌ویژه داعش تبدیل کرده است (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۳-۱). از دیدگاه این عده از تحلیلگران؛ گروه داعش در دو کشور عراق و سوریه که به دلیل نارضایتی داخلی از حکومت و محروم شدن سنی‌مذهب‌ها از قدرت (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۸۰)، عدم ثبات داخلی و تعارضات سنی و شیعه و فرقه‌گرایی به‌وجود آمد، حضور بیشتری پیدا کرده و از رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و عوامل ذکر شده بیشترین استفاده را در جهت منافع خود برده است.

بنابراین می‌توان چنین گفت که گروه دولت اسلامی عراق و شام (موسوم به داعش) متشکل از نیروهای القاعده عراق (که خود شعبه‌ای از القاعده مرکزی بود) و ارتش بعثی عراق بوده و دارای ایدئولوژی سلفی-وهابی است که در طی فرآیندی ده‌ساله اعلام موجودیت کرده است. از مشخصه‌های اصلی این گروه بین‌المللی کردن خود است. این گروه به دنبال جهانی کردن خود است و در این راستا از اکثر مناطق جهان یارگیری می‌کند و در پی حضور و نفوذ در مناطق متعدد می‌باشد.

زمینه‌ها و بسترهای موجود در آسیای مرکزی برای نفوذ داعش

آسیای مرکزی متشکل از پنج کشور شامل قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان است. این منطقه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان شناخته می‌شود که میراث‌دار جاده ابریشم و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و شمال و جنوب قاره آسیا محسوب می‌شود. از سویی دیگر در سال‌های اخیر به دلیل کشف منابع زیرزمینی انرژی از جمله نفت و گاز اهمیت زیادی پیدا کرده است (بهمن، ۱۳۸۹: ۸۹). این منطقه که تا قبل از سال ۱۹۹۲ زیر سلطه اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار داشت، با فروپاشی شوروی، در پی کسب هویت مستقلی برآمد (فرجی، ۱۳۸۷: ۱۷۳). ولی این فروپاشی باعث شد که این منطقه مورد توجه کشورهای قدرتمند

و در کانون رقابت آنها قرار گیرد، چون از یک سو این منطقه دارای جنبه‌های ژئواستراتژیک (به دلیل منبع انرژی و انتقال این انرژی به کشورهای روسیه، چین، اروپا، قفقاز و اقیانوس هند)، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک شده است (بهمن، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۴) و از سویی دیگر با خلا قدرت روبه‌رو است. این عامل به نوبه خود بستری لازم برای حضور داعش و اعلام خود به عنوان قدرت برتر (خلیفه) را به وجود آورده است.

این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. با واقع شدن در قلب اوراسیا به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان موجب شده است که بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی (جمهوری اسلامی ایران، روسیه، ترکیه، هند، چین و ایالات متحده آمریکا) برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر بپردازند (Afzal: 2003: 1). این موقعیت ترانزیتی فرصت مناسبی را برای برخی از تجار فراهم کرده که به تجارت کالاهای قاچاق و پرسود از جمله تجارت اسلحه، مواد مخدر و ... بپردازند. به عبارت دیگر قرارداد داشتن این منطقه در مسیر اصلی تجارت به ویژه تجارت اسلحه و مواد مخدر بستر مناسبی را برای رقابت بازیگران غیردولتی فراهم کرده است و این عامل می‌تواند بستر و محرکی برای حضور داعش در این منطقه باشد.

گسترش فساد دولتی، حکومت‌های ضعیف و فقیر، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی از دیگر عوامل و زمینه‌هایی است که موجب گسترش افراط‌گرایی و نفوذ گروه‌های تروریستی به ویژه داعش به این منطقه شده است (Dyner, Legiec & Rekawek, 2015: 1-2). در کنار این عوامل باید گفت که این منطقه به طور کلی دچار فقر، بیکاری، بی‌سوادی و افراط‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی ناشی از آن است. در کشورهای این منطقه علاوه بر فقر؛ بی‌سوادی به صورت گسترده‌ای در بین مردم وجود دارد. بی‌سوادی و جهل در برداشت از دین در مردم و حتی روحانیون نیز وجود دارد. به گونه‌ای که بسیاری از افراط‌گرایان با فریب و با استفاده از این نقطه ضعف به راحتی از احساسات دینی مردم برای عضوگیری و جذب آنان به گروه‌های خود استفاده می‌کنند (کبریایی، ۱۳۹۱: ۴۱). در این راستا دولتمردان این کشورها برای جلوگیری از این کار، درصد اسلام‌زدایی و سکولاریزه کردن امور سیاسی و اجتماعی هستند. به عنوان مثال /امام‌علی رحمان با منع علائم و نشانه‌های اسلامی از جمله بلندنبودن ریش مردان و در غیر این صورت مجازات آنها (Guardian(A): 2015)، ممنوعیت اسم‌گذاری عربی برای کودکان (Trilling: 2015) و ... درصد تضعیف اسلام در بین مردم است و با توجه به مذهبی‌بودن مردم این منطقه، احتمال می‌رود که این اقدامات به گونه‌ای دیگر زمینه را برای افراط‌گرایی و در راس آن حضور داعش و پیوستن مردم

به آن، برای احیای هویت خود و فرار از سردرگمی هویتی فراهم کند. از دیگر بسترهای حضور داعش در آسیای مرکزی را می‌توان وجود فقر گسترده اقتصادی بیان کرد. بدین گونه که کشورهای این منطقه پس از استقلال شاهد اقتصادی ضعیف و شکننده، تورم بالا، فقر و ... هستند. کاهش تولید شدید همراه با تورم ناشی از آزادسازی قیمت‌ها و کسب درآمد از کسری بزرگ مالی منجر به افزایش قابل توجه فقر در بین این کشورها شد^۴ (Tu Dang, 2009: 21-23). فقر در بین کشورهای این منطقه به گونه‌ای است که ذهن بسیاری از تحلیل‌گران و نویسندگان را به خود جلب کرده و در این زمینه به پژوهش پرداخته‌اند. از جمله این کشورها ازبکستان است که در آن فقر و بیکاری زیادی وجود دارد (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۳). قزاقستان با داشتن منابع غنی زیرزمینی و تاجیکستان که فاقد چنین منابعی است هر دو دارای جمعیتی فقیر هستند، هر چند که تاجیکستان دارای شدت بیشتری در این زمینه است (Chapman: 2011: 2).

جمهوری قرقیزستان هم مانند دیگر کشورهای آسیای مرکزی دارای جمعیتی فقیر است که مردم آن با کمبود غذا و سوء تغذیه مواجه‌اند (Babu & Reidhead, 2000: 647). این فقر به نوبه خود آسیب‌پذیری زیادی برای این کشورها به همراه داشته است و با توجه به درآمد بسیار کم خانوارها به این نکته پی می‌بریم؛ این پدیده به صورت آسیب و نقطه ضعف جدی در بین این کشورها خود را نشان داده است (Tu Dang, 2009: 35) که پیامد گسترده آن را در پیوستن بسیاری از مردم فقیر این منطقه به گروه داعش می‌توان دید. به این دلیل که فقر و بیکاری یکی از مهم‌ترین عوامل جذب عده زیادی از مردم این منطقه به ویژه جوانان به گروه داعش است.

به عبارت دیگر یکی از آسیب‌های جدی که فقر می‌تواند در این جوامع ایجاد کند، شکل‌گیری افراط‌گرایی و جذب افراد فقیر به گروه‌های افراط‌گرا در این منطقه است. به عبارت دیگر با وجود فقر در این کشورها، سازمان‌های مذهبی و گروه‌های افراط‌گرا نیز برای اجرای برنامه‌های سیاسی خود از جمله مبارزه با حکومت‌های سکولار حاکم در منطقه از این وضعیت استفاده و بسیاری از مردم را به سمت خود جذب کردند. از جمله این گروه‌های افراط‌گرای اسلامی می‌توان به جنبش اسلامی و حزب التحریر اشاره کرد که توسط بن‌لادن پشتیبانی مالی می‌شدند. تمامی کشورهای این منطقه وجود و فعالیت این گروه‌ها را تهدیدی برای خود می‌دانند و با این

^۴. با این وجود باید گفت که اگرچه در بین این کشورها از لحاظ غنی بودن منابع تفاوت قابل توجهی وجود دارد، به عبارت دیگر در حالی که قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان از وضعیت منابع زیرزمینی و ثروت خوبی برخوردار هستند، تاجیکستان دچار کمبود منابع و در نتیجه کشوری فقیر است (Chapman, 2011: 21). هر چند که همه این کشورها به نوعی با فقر و بیکاری روبرو هستند.

گروه‌ها مبارزه می‌کنند (7: Afzal: 2003).

بنیادگرایی از دیگر پدیده‌هایی است که در این منطقه وجود دارد، اگرچه خود در بسیاری از مواقع زاییده فقر است، اما عوامل بیرونی نیز در پیدایش و رشد آن دخیل هستند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ برخی از گروه‌های افراط‌گرا با هدف زدودن تحریفات از دامن اسلام، مبارزه با دولت‌های سکولار در این منطقه به‌ویژه دره فرغانه ظهور کرده و به فعالیت‌های مخفی پرداختند. عده‌ای از تحلیلگران علل گسترش افراط‌گرایی در این منطقه را علاوه بر نارسایی‌های اقتصادی، نوع ساختار نظام سیاسی، اقتدارگرایی حاکمان آن، جدایی دین از سیاست و محدودیت‌های شدید مذهبی می‌دانند. دولت‌های موجود در این منطقه نیز وجود گروه‌های افراط‌گرا و حتی احزاب اسلامی مرتبط با آنان را ممنوع اعلام کردند. به طوری که برخی از احزاب از جمله حزب التحریر و جنبش اسلامی در این منطقه ممنوع فعالیت شدند و حضور آنها غیرقانونی اعلام شد. با این حال بسیاری از مردم به ویژه جوانان از این احزاب حمایت می‌کنند و به احزاب و گروه‌های افراط‌گرا می‌پیوندند که مهمترین دلیل آن وجود فقر و بی‌عدالتی در توزیع ثروت، بی‌سوادی و جهل بسیار زیاد مردم حتی روحانیون به اسلام است (کبریایی زاده، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۹). به عبارت دیگر گسترش داعش در آسیای مرکزی و گرایش برخی از مسلمانان این منطقه به داعش ناشی از توسعه‌نیافتن اندیشه‌های اسلامی است (مهر: ۱۳۹۴).

یکی دیگر از بستری‌هایی که حضور و نفوذ داعش به آسیای مرکزی را فراهم کرده است، نفوذ اندیشه وهابیت توسط عربستان سعودی در این منطقه است. تبلیغات عربستان سعودی برای گسترش وهابیت در این منطقه به اوایل دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد، عربستان سعودی با ساختن مدارس مذهبی، کمک‌های مالی به مسلمانان سنی مذهب، میسیونرهای مذهبی خود در آسیای مرکزی به ویژه دره فرغانه و تبلیغ وهابیت در سفرهای حج به مسلمانان این منطقه (ICG, 2003: 7-9) توانست اندیشه وهابیت را در در بین مسلمانان این منطقه گسترش دهد. از آن جایی که اندیشه وهابیت یکی از آبخوورهای معرفتی داعش است و همسانی زیادی با هم دارند، می‌توان گفت که تبلیغات داعش و پذیرش آن از سوی مردم آسیای مرکزی آشنایی و همخوانی بیشتری دارد.

اهداف داعش از حضور در آسیای مرکزی

در حالی که بازیگران بزرگ بین‌المللی درگیر مبارزه با داعش در سوریه هستند، این گروه در مناطقی چون شمال آفریقا، جنوب آسیا، افغانستان و به طور گسترده‌ای در آسیای مرکزی سر برآورد. از بین این مناطق، منطقه آسیای مرکزی دارای موقعیتی ویژه از لحاظ ژئوپلیتیکی و

استراتژیکی است و به گفته ماریا زانخارووا^۱ سخنگوی وزارت خارجه روسیه، آسیای مرکزی سرزمین آرزوهای^۲ گروه داعش است (Newtimes: 2016). همچنین قرار گرفتن دو کشور پاکستان و افغانستان در همسایگی این منطقه، بر اهمیت آن به ویژه برای گروه‌های تروریستی بیش از پیش افزوده است. بنابراین یکی از اهداف داعش از حضور در این منطقه، نفوذ در این دو کشور است و به عبارت دیگر داعش خواهان تاسیس استان بزرگ و موردنظر خود در منطقه غرب آسیا به نام «خراسان» است که شامل افغانستان و پاکستان می‌باشد و تاسیس آن با حضور در منطقه آسیای مرکزی امکان می‌یابد. حتی تاسیس این استان (خراسان) علاوه بر دو کشور مذکور، ممکن است که چند کشور از آسیای مرکزی را نیز شامل شود (Dyner, Legiec & Rekawek, 2015: 2).

از سویی دیگر منطقه آسیای مرکزی به عنوان پلی است که سه منطقه شمال و جنوب آسیا، اروپا و آسیای شرقی را به هم مرتبط می‌سازد و از این حیث نقش استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بسیار مهمی دارد. علاوه بر آن وجود منابع انرژی نفت و گاز در این مناطق بر اهمیت این منطقه افزوده است (بهمن، ۱۳۸۹: ۹۰، Chapman, 2011: 19). اهمیت منابع در این منطقه به گونه‌ای است که رقابت کشورهای قدرتمند و همسایه را در خود به وجود آورده است. بنابراین می‌توان گفت وجود منابع غنی نفت و گاز و موقعیت استراتژیک از عوامل مهمی است که توجه داعش را به این منطقه جلب کرده است و به دست گرفتن کنترل منابع انرژی و ترانزیت در این منطقه می‌تواند از اهداف مهم داعش در این منطقه باشد.

یکی دیگر از هدف‌های داعش برای حضور در آسیای مرکزی؛ نزدیکی بیشتر به روسیه، نفوذ در این کشور و در نتیجه تحت تاثیر قرار دادن محیط امنیتی این کشور است. داعش برای این کار از رسانه و کانال روسی زبان نیز استفاده کرده است. "کانال فرات" که اخیراً راه‌اندازی شده است برای انجام این کار می‌باشد و دامنه تبلیغاتی خود را در سراسر جهان روسی زبان گسترانده است (ECFA, 2015: 9). در این راستا و با توجه به هدف قراردادن روسیه از سوی این گروه، منطقه آسیای مرکزی موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای را برای این گروه فراهم می‌کند. از سویی دیگر یارگیری داعش و جذب اعضای جدید از این منطقه بسیار راحت‌تر و کارآمدتر از کشورهای افغانستان و پاکستان است. به این دلیل که مردم این منطقه به زبان و فرهنگ روسی آشنایی بیشتری دارند (ICG^۳, 2015: 7). در این میان عده‌ای از تروریست‌ها و افراط‌گرایان چچنی و داغستانی که به داعش پیوسته‌اند بیش از همه مصمم به تحت فشار قرار دادن روسیه، یارگیری و ایجاد ناامنی در این کشور هستند.

1. Maria Zakharova.

6. Coveted Territory.

3. International Crisis Group.

با توجه به نزدیکی و همسایگی کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت داعش برنامه بلند مدتی برای تضعیف و ناامن کردن این کشور دارد. جمهوری اسلامی ایران کشوری فارسی زبان، شیعه، حامی حکومت عراق و سوریه و مخالف اندیشه‌های افراط‌گرا از جمله گروه‌های تکفیری و تروریستی است. این موارد نه تنها با ایدئولوژی و مشخصات وجودی داعش در تضاد است، بلکه موانع بزرگی در راه رشد و گسترش این گروه تروریستی محسوب می‌شود. نکته مهم دیگر اینکه جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مهمی در بقای حکومت‌های عراق و سوریه داشته که داعش هویت خود را با نابودی آنها تعریف می‌کند. از سویی دیگر نیز کشورهای حامی داعش از جمله عربستان و ترکیه^۱ نیز دشمنی و رقابت زیادی در سطح منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارند و از هر ابزاری حتی داعش سعی در تضعیف آن دارند. یکی دیگر از اهداف مهم داعش نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، مورد تهدید قرار دادن منافع آن به ویژه در آسیای مرکزی، ناامن کردن محیط امنیتی ایران، حتی نفوذ و یارگیری در این کشور است. این گروه با عنوان کردن استان خراسان به عنوان جزئی از دولت اسلامی خود مستقیماً جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده است. از سویی نیز زرقاوی دشمن اول خود را شیعیان می‌داند و رسماً شیعه را خائن و منافق معرفی کرده است. او حتی در فتوای خود کل شیعیان را تکفیر کرد و کشتن همه آنان را جایز دانست. وی علاوه بر ادعاهای دروغین نسبت به شیعیان، در سال ۲۰۰۵ در طی بیانیه‌ای «جنگ تمام عیار» علیه شیعیان را اعلام کرد. ابوعمر البغدادی نیز علاوه بر چنین مواضعی، در زمینه سیاسی نیز از نفوذ ایران شکایت و ایرانیان را به جرایم عقیدتی، شرعی، نظامی و سیاسی متهم کرده و مدعی شده که ایران در حدود نه قرن (از سقوط عباسیان و روی کار آمدن صفویه تا حال) بر اهل سنت ظلم روا داشته است (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۷۲-۶۶). ابوبکر البغدادی نیز شیعه را دشمن اصلی خود دانسته و در پیامی نوک پیکان حملات خود را متوجه شیعیان اعلام کرده است (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین اهداف داعش مهار شیعه و در راس آن جمهوری اسلامی ایران است (Esfandiary & Tabatabai, 2015: 2).

علاوه بر روسیه و جمهوری اسلامی ایران، کشور دیگری که از حضور و نفوذ داعش در آسیای مرکزی مورد تهدید گسترده قرار گرفته، چین است. با توجه به همسایگی آسیای مرکزی با چین و به ویژه استان غربی و مسلمان‌نشین آن به نام «سین کیانگ»، می‌توان گفت هدف دیگر داعش در آسیای مرکزی تاثیرگذاری بر چین، یارگیری از این کشور به ویژه استان سین کیانگ (ترکستان شرقی) و حتی جدایی و خودمختاری این بخش از چین است. در

1. RT (B): 2016, Tokyay : 2016.

جولای ۲۰۱۴ ابوبکر البغدادی رهبر گروه داعش چین را به ظلم و ستم بر مسلمانان متهم کرد و اعلام کرد که «دولت چین، حقوق مسلمانان را به زور تصرف کرده است» (Liu: 2016). چین با حضور داعش در این منطقه، بیش از پیش احساس خطر می‌کند چون به گفته رئیس جمهور این کشور شی جی پینگ، بیش از هزار نفر از اویغورها به داعش پیوسته‌اند و در سوریه حضور پیدا کرده‌اند (Batchelor: 2016). از دیگر اهداف داعش در این منطقه، جدایی طلبی ترکستان شرقی و ایجاد یک دولت اسلامی می‌باشد. حکومت چین نیز ادعا کرده است که تروریست‌ها در تلاش برای ایجاد یک دولت اسلامی در استان سین کیانگ هستند (Liu: 2016).

با مشاهده حملات داعش در مناطق مختلف می‌توان گفت که این گروه نمی‌خواهد در جبهه‌ای واحد بجنگد و برای بزرگ نشان دادن خود چند جبهه را پیش روی خود گشوده است. برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها که داعش در عراق و سوریه می‌ماند و حتی تضعیف می‌شود، داعش در مناطق مختلف دیگر از جمله آسیای مرکزی نفوذ کرده است و جبهه‌ای دیگر را در مقابل خود گشوده است. با این حال یکی از اهداف داعش برای حضور و نفوذ در این منطقه را می‌توان در وهله اول قرار دادن خود در حالت بزرگنمایی و یا قدرتمند نشان دادن خود دانست و دوم این که با گشودن جبهه‌ای دیگر در مقابل خود بتواند مواضع بهتری برای مقابله و یا دفاع به وجود آورد و دچار ضعف نشود. داعش با استفاده از استراتژی گسترش تهدید، امکان آزادی عمل را برای خود فراهم کرده و سعی اهداف گفته شده را محقق سازد.

گسترش اسلام‌گرایی سلفی و وهابیت مورد نظر عربستان سعودی از دیگر اهداف داعش در آسیای مرکزی است. نتایج و تحقیقات صورت گرفته در مورد معرفت‌شناسی داعش حاکی از آن است که این گروه از فقه حنبلی، اندیشه ابن تیمیه و وهابیت تغذیه می‌کند (مصطفی، ۱۳۹۴: ۲۲-۱۶، شیخ احمد، بهاری و وهاب پور، ۱۳۹۳: ۱۳۳، کورانی، ۲۳: ۱۳۹۳) و از سویی دیگر منطقه آسیای مرکزی دارای سابقه چندین ساله از گسترش وهابیت است (ICG, 2003: 7-9). باید گفت که با وقوع انقلاب اسلامی و گسترش تفکر انقلابی جمهوری اسلامی در بین کشورهای همسایه، عربستان سعودی برای ترویج وهابیت در بین کشورهای منطقه به منظور جلوگیری از تفکر شیعی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران هزینه هنگفتی کرده است (حسنی سعدی، ۱۳۳۳: ۱۲۹-۱۲۸). امروزه با سر برآوردن گروه تروریستی-تکفیری داعش که تا حدود زیادی برگرفته از اندیشه وهابیت است؛ عربستان سعودی این گروه را مورد حمایت‌های مالی و نظامی خود قرار داده است (RT(A): 2016). بنابراین گسترش اندیشه وهابیت در آسیای مرکزی که سابقه چندین ساله دارد را می‌توان از اهداف داعش برشمرد که خود مقدمه‌ای برای رشد نفوذ عربستان در این منطقه است.

اما هدف مهمتری که داعش در پی دستیابی به آن است و در ابتدای این نوشتار نیز شد، بین المللی شدن است. این گروه برای احیای خلافت اسلامی و نظارت بر تمامی مناطق حیاتی سرزمین های اسلامی که هدف اولیه و اساسی آن می باشد، نیازمند به نشان دادن خود به عنوان قدرتی بزرگ و شناخته شده در عرصه بین المللی است و به همین جهت خود را بیش از آن چیزی که هست نشان می دهد. لذا این گروه در تلاش برای بین المللی کردن و نشان دادن چهره های از خود به عنوان بازیگری قدرتمند است. داعش از تمامی تروریست های جهانی و با زمینه های متفاوت جغرافیایی از کشورهای عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی یارگیری می کند و جغرافیای گسترده از یمن و اردن تا تونس و لیبی و اندونزی در آسیای شرقی را تحت تاثیر تبلیغات و نفوذ فکری خود قرار داده است. به عبارت دیگر این گروه حداقل بیست تا سی هزار جنگجوی خارجی از ۸۷ کشور را جذب کرده است که در عراق و سوریه مبارزه می کنند (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۷). بنابراین حضور و نفوذ این گروه در آسیای مرکزی؛ تکه ای از پازل داعش را که همان بین المللی کردن خود است را پر می کند.

اقدامات داعش در آسیای مرکزی

با توجه به وضعیت اقتصادی و فرهنگی نامناسب کشورهای آسیای مرکزی که در مباحث بالا نیز به آن اشاره شد، مردم این منطقه از بیکاری، فقر، بی هویتی رنج می برند و این خود عامل نارضایتی و ناامیدی آنها از دولت مرکزی می باشد. با ظهور گروه داعش می توان یکی از بدیهی ترین اقدامات این گروه را یارگیری و جذب گسترده نیرو از اعضای کشورهای این منطقه دانست. حتی برخی از آنها در سوریه و عراق در کنار نیروهای داعش قرار گرفته بودند. وضعیت نگران کننده یارگیری داعش از آسیای مرکزی زمانی جدی گرفته شد که فرمانده نیروی مخصوص پلیس تاجیکستان به نام گلمراد حلیموف نیز به داعش پیوست (Guardian (B): 2015). این در حالی است که حلیموف از افراد مورد اعتماد امامعلی عبدالرحمان (رییس جمهور تاجیکستان) بود. با پیوستن این شخص به داعش نه تنها تاجیکستان بلکه دیگر کشورهای این منطقه خود را در معرض تهدید دیدند. با وجود اینکه حدود ۴۰۰۰ نفر از آسیای مرکزی به داعش پیوسته اند،^۱ حلیموف نیز در پیامی از مردم خواست که خود را از بی هویتی و ستم حکومت

^۱ در خصوص اینکه چه تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی به داعش پیوسته اند، آمار دقیقی وجود ندارد در حالی که برخی از جمله امریکایی ها این آمار را در حدود ۲۰۰۰ نفر می دانند، منابع روس این تعداد را حدود ۴۰۰۰ نفر برشمرده اند (International Crisis Group: 2015:7) برخی دیگر از منابع تخمین زده اند که حدود ۴۰۰۰ نفر از منطقه آسیای مرکزی به همراهی داعش در سوریه در حال جنگیدن هستند (Cilluffo, 2015: 6). برخی منابع دیگر نیز تخمین زده اند که حدود ۵ هزار نفر از مردم آسیای مرکزی و روسیه به داعش اند (Newtimes: 2016).

برهاند و به داعش پیوندند. بنابراین باید گفت اولین اقدام داعش در منطقه آسیای مرکزی و روسیه یارگیری و جذب نیروهای جدید است. در جدول زیر تعداد کسانی که از این مناطق برای داعش در سوریه می‌جنگند آورده شده است.

نیروهای پیوسته به داعش در سوریه	روسیه	قفقاز	تاجیکستان	ازبکستان	قرقیزستان	قزاقستان	ترکمنستان
	۱۵۰۰-۸۰۰	۱۵۰۰	۱۹۰	۵۰۰	۱۰۰	۲۵۰	۳۶۰

اقدام بعدی داعش در این منطقه، پیوند با افراط‌گرایان و گروه‌های تروریستی موجود در آسیای مرکزی و همچنین افغانستان و پاکستان است. از آن جایی که در این منطقه و کشورهای همسایه آن با توجه به بسترهای موجود، گروه‌های افراط‌گرای زیادی وجود دارد و این گروه‌ها آزادی عمل بیشتری نسبت به دیگر مناطق دارند، داعش در تلاش برای ایجاد پیوند با آنان و سپس جذب آنها می‌باشد. از مهم‌ترین گروه‌های افراط‌گرای آسیای مرکزی شامل: حزب احیای اسلامی و حزب نهضت اسلامی (تاجیکستان)، حزب التحریر و جنبش اسلامی (در ازبکستان که فعال‌ترین احزاب اسلام‌گرای آسیای مرکزی هستند) و آلاش در قزاقستان است. داعش نیز درصدد است که همانند جذب برخی از گروه طالبان^۱، گروه‌های مذکور را به خود نزدیک و جذب کند.

از دیگر اقدامات داعش در آسیای مرکزی اقدامات تروریستی است که این گروه با اعمال آن در پی پیش‌بردن اهداف خود است. داعش سرمایه‌گذاری زیادی برای انجام اقدامات تروریستی به‌ویژه در آسیای مرکزی کرده است. در واقع این گروه با گسترش تهدید و آزادی عمل خود به گسترش حملات تروریستی اقدام کرده است و با ترویج و نشان‌دادن خشونت از طریق تکنولوژی و رسانه سعی در پیش‌برد اهداف خود دارد. از نمونه‌های حملات تروریستی این گروه می‌توان به عملیات تروریستی در سال ۲۰۱۴ در سین کیانگ چین اشاره کرد که منجر به کشته‌شدن عده زیادی شد. در پی این اقدام و کشته‌شدن برخی از گروگان‌های چینی در سوریه توسط داعش، چین مانور مشترکی را در چارچوب همکاری‌های شانگهای با روسیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی در راستای مبارزه با داعش انجام داد (Schweitzer & Einav, 2016: 253-258).

۱. داعش با نفوذ در پاکستان و هم‌چنین افغانستان عده‌ای از گروه طالبان، حتی برخی از افراد برجسته این گروه را به خود جذب کرده است (Malik:2014).

حملات تروریستی دیگری از سوی داعش در تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز رخ داده است (South Front: 2015) و در پی آن دولت تاجیکستان نیز در ماه می ۲۰۱۶ از بازداشت عده‌ای از افراد داعش برای عملیات بمب‌گذاری در این کشور خبر داد (Abna 24: 2016). امنیت ملی قرقیزستان نیز در فروردین ۱۳۹۵، ۷ نفر از اعضای منسوب به گروه داعش را که درصدد ایجاد حملات تروریستی در این کشور بودند را بازداشت کرد (Middle East Press: 1395).

پیامدهای حضور داعش در آسیای مرکزی

کشورهای آسیای مرکزی پیوندهای مشترکی از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران دارند و به دلیل همسایگی این کشورها با جمهوری اسلامی ایران و منافع متقابل بین ایران با این پنج جمهوری، اهمیت و حساسیت این منطقه را دوچندان می‌کند. با حضور داعش در این منطقه، یارگیری این گروه به ویژه از بین جوانان و تبلیغ و گسترش جو افراط‌گرایی در آسیای مرکزی می‌تواند افکار عمومی آنها را به سمت خود جلب کند. با افزایش قدرت داعش در آسیای مرکزی علاوه بر این که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در معرض خطر قرار می‌گیرد بلکه تفکر وهابیت و تکفیری داعش عرصه را بر تفکر و گفتمان انقلابی جمهوری اسلامی تنگ می‌کند. بنابراین حضور داعش در آسیای مرکزی علاوه بر گسترش تفکر افراط‌گرایی و تروریستی، تبعات منفی بسیاری برای جمهوری اسلامی ایران و منافع ملی آن بر جای می‌گذارد.

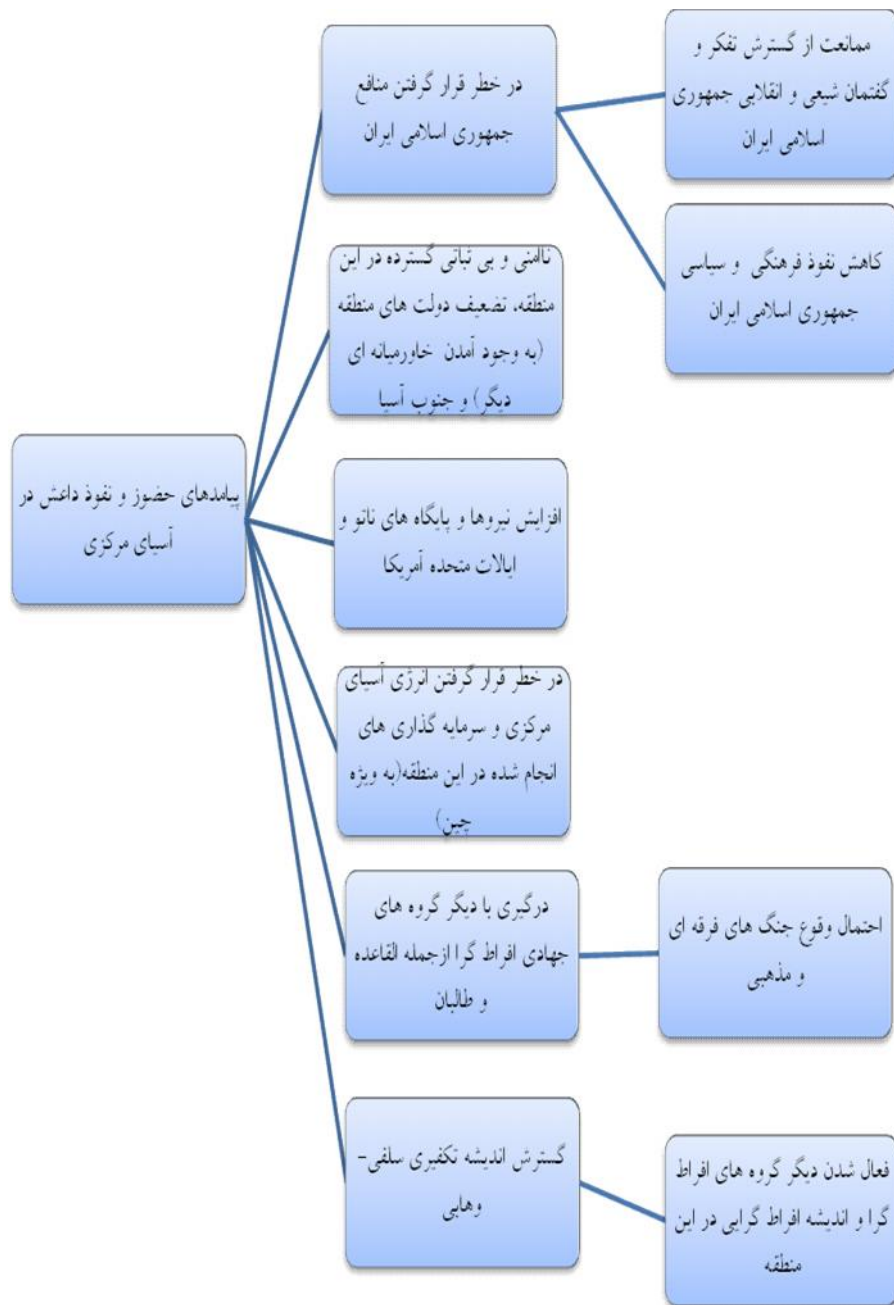
با حضور این گروه در آسیای مرکزی فعالیت دیگر گروه‌های تروریستی نیز بیشتر شده و در صورت پیوستن آنها به داعش جو تروریسم گسترش می‌یابد. نتیجه این امر نا امن تر شدن هر چه بیشتر منطقه آسیای مرکزی است که می‌تواند تبعات سیاسی، نظامی و اقتصادی بی‌شماری را در پی داشته باشد. کشورهای آسیای مرکزی با مشکلات زیادی از جمله فقر، بیکاری، بنیادگرایی، فساد دولت‌ها، عدم ثبات سیاسی و فرهنگی و سردرگمی هویتی مواجه هستند که حضور داعش در این منطقه بیش از پیش این دولت‌ها را با چالش مواجه می‌کند و امنیت این کشورها را به خطر جدی می‌اندازد. با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران نیز دارای منافع مشترکی با کشورهای منطقه است، منافع آن در آسیای مرکزی به خطر قرار می‌افتد. همانطور که اشاره شد این موارد می‌تواند نفوذ هر چه بیشتر عربستان سعودی و ترکیه را در این منطقه قوی‌تر کند و مقدمات سیاسی و استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران را محدود و تهدید کند.

پیامد دیگر حضور و نفوذ داعش در آسیای مرکزی که به دنبال گسترش جو تروریسم به وجود می‌آید، افزایش حضور نیروها و پایگاه‌های ناتو و ایالات متحده در این منطقه است. با توجه با همکاری این کشورها با ناتو در زمینه تامین امنیت^۱ (EUCAM Watch, 2012: 2) هرگونه ناامنی در این کشورها می‌تواند افزایش نیروهای ناتو در این منطقه را به همراه داشته باشد. افزایش نیروهای ناتو در این منطقه و حضور نظامی و جدی‌تر ایالات متحده باعث می‌شود که جایگاه سیاسی و اقتصادی این کشورها تنزل پیدا کند. ورود ناتو و افزایش حضور آن در آسیای مرکزی، ایجاد توافقنامه‌های سیاسی و نظامی زیادی را از سوی کشورهای این منطقه با امریکا را به دنبال داشته که این خود تبعات دیگری به همراه دارد و ممکن است کشورهای منطقه به وضعیت افغانستان امروزی تبدیل شوند. به عنوان نمونه طالبان حضور امریکا در افغانستان را بر نمی‌تابد و توقف حملات خود را مشروط به خروج امریکا از این کشور می‌داند و در طرف مقابل امریکا خروج خود را با سرکوب و تضعیف طالبان ممکن می‌داند. به عبارت دیگر با توجه به اهمیت آسیای مرکزی از لحاظ استراتژیکی، ترانزیتی و منابع انرژی و حضور گسترده داعش می‌تواند بهانه‌ای برای حضور ناتو باشد و این منطقه به عرصه جدال بازیگران بزرگ دولتی و غیردولتی تبدیل شود و منطقه به سمت خاورمیانه‌ای دیگر پیش برود.

از دیگر پیامدها که به چین و توسعه آسیای مرکزی مربوط می‌شود، به خطر افتادن سرمایه گذاری‌های چین در آسیای مرکزی، کاهش امنیت انرژی و خطوط لوله انتقال انرژی و تسهیل فرآیند حضور گسترده امریکا در محیط امنیتی غربی چین و ... است (زارع، ۱۳۹۴: ۳).

در چنین شرایطی نه تنها حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه کمرنگ و حتی قطع می‌شود بلکه با توجه به پیوندهای آن با کشورهای این منطقه ممکن است آسیب‌پذیری‌های ناشی از آن‌ها به جمهوری اسلامی ایران سرایت کند و خود نیز در معرض تهدید قرار بگیرد. لذا لازم است که اقدامات موثر و جدی و به کارگیری دیپلماسی قوی‌تری در منطقه از سوی جمهوری اسلامی ایران به عمل آید.

۱. به عنوان مثال امامعلی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان در سال‌های اخیر علاقه خود را برای افزایش همکاری با ناتو نشان داده است.



نتیجه‌گیری

گروه تروریستی- تکفیری داعش جدیدترین و متفاوت‌ترین گروه تروریستی شناخته شده در جهان است که با استفاده از تکنولوژی و ابزارهای رسانه‌ای سعی در بزرگ جلوه‌دادن خود و همچنین خشونت گسترده در سراسر جهان دارد. این گروه که تشکیل دولتی اسلامی و خلافت صدر اسلامی را محورهای اساسی خود اعلام کرده است، سعی دارد با گسترش حمایت‌های خود در مناطق جغرافیایی مختلف از جمله آسیای مرکزی به باز کردن جبهه‌های متعدد، یارگیری از سراسر جهان و ناامنی در کشورهای بزرگ و تهدید آنها و افزایش قدرت خود پردازد. در واقع این گروه متفاوت از دیگر گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا به دنبال بین‌المللی کردن خود است. به عبارت دیگر استراتژی داعش آن است که نمی‌خواهد به عنوان گروهی کوچک شناخته شود، به همین دلیل به ترویج هر چه بیشتر خشونت و حمله به مناطق گوناگون حتی کشورهای قدرتمند می‌پردازد که خود در راستای بزرگ جلوه‌دادن و بین‌المللی کردن خود است.

داعش با وجود ناامنی در عراق و سوریه، کشورهای شمال آفریقا از جمله لیبی، بمب‌گذاری در کشورهای اروپایی، توجه به بالکان، نفوذ و یارگیری در پاکستان و به طور جدی‌تر در افغانستان، به آسیای مرکزی روی آورده است. این منطقه به دلیل بستریابی از جمله بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، ناکارآمدی دولت‌ها، فقر، بیکاری، ضعف اندیشه‌های اسلامی و برداشت سطحی از اسلام زمینه را برای حضور و نفوذ این گروه فراهم آورده است. علاوه بر این، آسیای مرکزی به دلیل پتانسیل‌ها و مزایایی که دارد اهمیت زیادی برای حضور و نفوذ در نزد این گروه پیدا کرده است. این منطقه از مهمترین شاهراه‌های ترانزیتی جهان است که با وجود منابع گسترده زیرزمینی از مدت‌ها پیش زمینه‌ای برای رقابت ابرقدرت‌ها شده است. از سویی دیگر این منطقه به دلیل اهمیت ترانزیتی می‌تواند فرصت مناسبی برای تجارت کالاهای قاچاق مثل مواد مخدر، اسلحه و ... را برای گروه داعش فراهم کند. از دیگر جاذبه‌های این منطقه برای داعش، نزدیکی جغرافیایی به روسیه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن و همچنین چین برای نفوذ و یارگیری در استان سین کیانگ، نزدیکی با پاکستان و افغانستان است.

سیستم‌های سیاسی و مدیریت ناکارآمد در کشورهای آسیای مرکزی باعث شد که این گروه بتواند در این منطقه نفوذ کند و هر روز جایگاه خود را مستحکم‌تر نماید. داعش حتی کانال‌های روسی زبان در این منطقه ایجاد کرده و در حال تبلیغ اندیشه و ایدئولوژی خود در بین مردمان این منطقه و حتی روسیه است. با توجه به مشکلات داخلی این کشورها از جمله فقر و بیکاری و ارائه حقوق ماهیانه و سوسه‌کننده از سوی داعش، وضعیت نگران‌کننده‌ای را در مورد پیوستن مردم این

منطقه به این گروه به وجود آورده است. به طور کلی با توجه به بسترهای آسیای مرکزی که پیشتر ذکر شد می‌توان حضور و نفوذ روز افزون داعش را در این منطقه پیش‌بینی کرد که این شرایط می‌تواند منجر به جنگ‌های داخلی در منطقه شده و خاورمیانه‌ای دیگر را به وجود آورد.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیم نژاد، محمد، (۱۳۹۳)، *دولت اسلامی عراق و شام: بررسی و تحلیل تاریخ و افکار*، چاپ اول، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت.
- بخشی شیخ احمد؛ بهاری، مهدی؛ وهاب پور، بهنام و پیمان، (۱۳۹۳)، «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری-وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال شانزدهم، شماره ۶۴.
- بهمن، شعیب، (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع منطقه‌گرایی در آسیای مرکزی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۹.
- حسنی سعدی، مطهره، (۱۳۸۹)، «شیوه‌های تبلیغی وهابیت»، *نشریه پیام*، شماره ۱۰۴.
- خبرگزاری خاورمیانه، «بازداشت ۷ عضو داعش در قرقیزستان»، ۱۱ فروردین ۱۳۹۵، دسترس در سایت: //بازداشت-۷-عضو-داعش-در-قرقیزستان
- <http://middleeastpress.com/blog/>.
- خبرگزاری مهر، دلیل‌گرایی به داعش در آسیای مرکزی، توسعه نیافتن اندیشه اسلامی است، ۱۲ فروردین ۱۳۹۴، دسترس در سایت:
- <http://www.mehrnews.com/news/3038041/>.
- زارع، محمد، (۱۳۹۴)، «پیامدهای استراتژیک پیوند داعش و اوغورهای سین کیانگ برای چین»، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش شماره ۱۲۲.
- شیعه نیوز. «داعش ۷۰ کشور جهان را تهدید کرد»؛ ۲۱ شهریور ۱۳۹۴، دسترسی در سایت:
- <http://www.shia-news.com/fa/news/99180/>.
- غلامی، رضا، (۱۳۹۴)، *تاریخ خلافت مدرن: تب خلافت: داعش، دامس، القاعده، بوکوحرام و طالبان در سپیده دم سده ۲۱*، چاپ اول، تهران: نشر آوای مکتوب.
- فرجی، مجتبی، (۱۳۸۷)، «آسیای مرکزی به دنبال هویتی مستقل»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۲.
- کبریایی‌زاده، علی، (۱۳۹۱)، *روند اسلام‌گرایی در کشورهای آسیای مرکزی؛ پیامدها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی.
- کورانی، علی، (۱۳۹۳)، «وهابیت، عربستان و جریان داعش در مصاحبه با حضرت آیت

- الله کورانی»، پژوهش نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر، سال چهارم، شماره ۱۵.
- مصطفی، حسن، (۱۳۹۴)، *داعش؛ زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری*، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.
- نظری، علی اشرف؛ السمیری، عبدالعظیم، (۱۳۹۴)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی-اجتماعی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- هوشی سادات، سید محمد، (۱۳۹۳)، «داعش؛ میراث سیاست غربی-عربی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»، گزارش دفتر مطالعات سیاسی.

ب) انگلیسی

- Abu hanieh, Hassan & Abu rumman, Mohammad, (2015), *The Islamic State Organization: The Sunni Crisis and the Struggle of Global Jihadism*, Friedrich-Ebert-Stiftung Jordan & Iraq.
- Afrasiabi, Kaveh L, (2014), "The New Iraq Crisis: Iran's Options", *Iran Review*, June 20.
- Afzal, Amina, (2003), "India's Growing Influence in Central Asia: Implication's for Pakistan", *Journal of Strategic Studies*.
- Ali, Mah- Rukh, (2015), "ISIS and Propaganda: How ISIS Exploits Women", Reuters Institute Fellowship Paper University of Oxford.
- Allison, Simon, (2014), "The Islamic State: Why Africa Should be Worried", Institute for Security Studies (ISS), Policy Brief 68.
- Babu, Suresh and Reidhead, William, (2000), "Poverty, Food Security, and Nutrition in Central Asia: a Case Study of The Kyrgyz Republic", International Food Policy Research Institute (IFPRI), 2033 K Street, N.W., Washington, DC, 20006-1002, USA
- Chapman, Gregory, (2011), "Poverty in Central Asia: Kazakhstan versus Tajikistan", *Global Majority E-Journal*, Vol. 2, No. 1.
- Cilluffo, Frank J, (2015), "Wanted: Foreign Fighters – The Escalating Threat of ISIL in Central Asia", Commission on Security & Cooperation in Europe (the Helsinki Commission), Center for Cyber and Homeland Security (The George Washington University).
- Dyner, Anna, Legiec, Arkadiusz and Kacper Rekawek, (2015), "Ready to Go? ISIS and Its Presumed Expansion into Central Asia", Policy Paper, No. 19 (121), June 2015 © PISM.

- Eucam Watch, (2012), "NATO and Central Asia: The two Elephants that Never Meet", *EU-Central Asia Monitoring*, No 11.
- Engel, Andrew, (2015), "The Islamic State's Expansion in Libya", *The Washington Institute for Near East Policy*.
- Esfandiary, Dina and Tabatabai, Ariane, (2015), "Iran's ISIS Policy", International Affairs © 2015 The Royal Institute of International Affairs.
- Freedman, Ilana, (2015), *Jihad! Understanding the Threat of the Islamic State to America*, Center for Security Policy Press.
- Gerdes, Fawaz A, (2014), "ISIS and Third Wave of Jihadism", *Current History*.
- Kirdar, M.J, (2011), "Al Qaeda in Iraq", Center for Strategic International Studies (CSIS), AQAM Futures Project: Case Study Series.
- International Crisis Group, (2015), "Syria Calling: Radicalisation in Central Asia", Crisis Group Europe and Central Asia Briefing N°72, 20 January 2015.
- International Crisis Group, (2003), "Is Radical Islam Inevitable in Central Asia? Priorities for Engagement", ICG Asia Report N°72, 22 December 2003.
- Salama, Basma, (2016), *The Resilience of the Islamic State*, Schriftenreihe der Landesverteidigungsakademie, Institut für Friedenssicherung und Konfliktmanagement.
- Schnitt, Jonathan, (2015), "ISIS in Libya - Exploitation and Governance of Areas of Limited Statehood", International Institute for Counter-Terrorism (ICT), Working Paper 36.
- Schweitzer, Yoram and Einav, Omer, (2016), *The Islamic State: How Viable Is It?*, Institute for National Security Studies (INSS).
- Tu Dang, Raghendra, (2009), "Vulnerability to Poverty in Select Central Asian Countries", *The European Journal of Comparative Economics*, Vol. 6, n.1, pp. 17 -50.
- Tonnessen, Truls Hallberg, (2015), "Heirs of Zarqawi or Saddam? The Relationship between Al-Qaida in Iraq and The Islamic State", *Perspectives on Terrorism*, Volume 9, Issue 4.
- Zelin, Aaron, (2014), "The War between ISIS and Al-Qaeda for Supremacy of The Global Jihadist Movement", The Washington Institute for Near East Policy, RESEARCH NOTE 20.
- _____, "Central Asia's Growing Role in the War on Terror", *Eurasian Council on Foreign Affairs*, 2015.

- Abna24, "Four ISIS Supporters Setained in Tajikistan for Plotting Terror Attacks on 'Victory Day'", May 10, 2016, Available in: <http://en.abna24.com/service/central-asia-subcontinent/archive/2016/05/10/753392/story.html>.

- Liu, Jennine, "China's ISIS Woes", Diplomat, February 26, 2016, Available in: <http://thediplomat.com/2016/02/chinas-isis-woes/>.

- Tokyay, Menekse, "Military Moves: Turkey and Saudi Arabia Close Ranks on Syria", English.alarabiya, February 17, 2016, Available in: <http://english.alarabiya.net/en/perspective/analysis/2016/02/17/Military-moves-Turkey-and-Saudi-Arabia-close-ranks-on-Syria.html>.

- Batchelor, Tom, "ISIS Army Set for New Wave of Recruits as 'Thousands' of Chinese Militants Flee to Syria", Express, January 15, 2016, Available in: <http://www.express.co.uk/news/world/635103/Islamic-State-Uighurs-China-fleeing-Syria-boost-jihadi-ranks>.

- South Front, "Foreign policy Diary 'Central Asia' – Advance of ISIS", June 16, 2015, Available in: <https://southfront.org/foreign-policy-diary-central-asia-advance-of-isis/>.-Guardian (A)(2015). "The men evading Tajikistan's De-facto Beard Ban", 7 September 2015, Available in: <http://www.theguardian.com/world/2015/sep/07/tajikistans-beard-ban-facial-hair-emomali-rahmon>.

- Trilling, David, "Tajikistan Debates Ban on Arabic Names as Part of Crackdown on Islam", The Guardian, 8 May 2015, Available in: <https://www.theguardian.com/world/2015/may/08/tajikistan-islam-arabic-names-crackdown>.

- Guardian (B)(2015). "Tajikistan Police Chief Defects to Isis", 28 May 2015, Available in: <http://www.theguardian.com/world/2015/may/28/tajikistan-police-chief-defects-to-isis>.

- Malik, Shiv, "Briton Claiming to Be Former Taliban Bomb Expert 'Joins Isis'", The Guardian, 20 November 2014, Available in: <http://www.theguardian.com/world/2014/nov/20/hamayun-tariq-briton-isis-explosives-expert-pakistan>.

- Guardian(C) (2015). "Isis Actively Recruiting in Afghanistan, Says US General", 23 May 2015, Available in: <http://www.theguardian.com/world/2015/may/23/isis-actively-recruiting-afghanistan-us-general>.

- Eleftheriou-Smith, Loulla-Mae, "Haji Bakr: Former Saddam Hussein spy is mastermind behind Isis takeover of northern Syria and push into Iraq, report claims", 20 April 2015. Available in: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/haji-bakr-former-saddam-hussein-spy-is-mastermind-behind-isis-takeover-of-northern-syria-and-push-10189280.html>

- *Newtimes* (2016), “Wave of Terrorist Attacks in Central Asia: Experts’ Forecasts”, 15 January 2016, Available in: <http://newtimes.az/en/views/4129/>

- RT (A)(2016), “ISIS Would Be Easy to Defeat if Turkey and Saudi Arabia Did not Support it – Assad’s Adviser to RT”, Available in: <https://www.rt.com/news/333537-isis-turkey-saudi-support/>

- RT(B) (2016), “For ISIS to Survive, it Needs Support From Allies: Turkey, Qatar, Saudi Arabia and The US”, Available in: <https://www.rt.com/op-edge/337351-isis-survive-us-terrorism/>